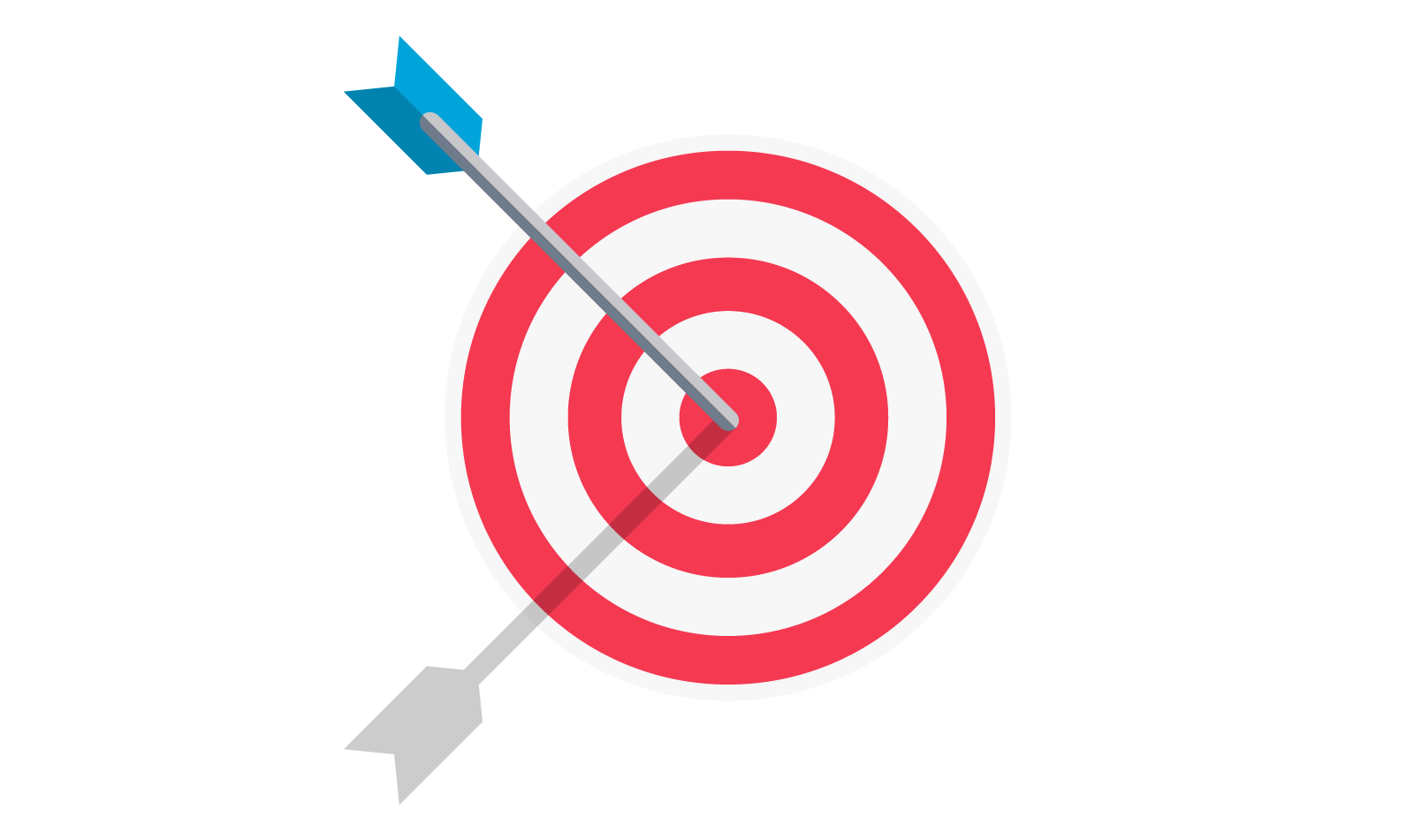
وقتی دو نفر یا بیش از دو نفر در کنار یکدیگر  
 قرار می‌گیرند و خواسته‌ها، ویژگی‌ها، انتظارات  
 یا اهدافشان به هم گره می‌خورد، عملاً با گروه   
مواجه هستیم. گروه‌ها گاهی اوقات به شکلی خاص‌تر و در قالب تیم‌ها فعالیت می‌کنند. اگر چه گروه و کار گروهی، بحثی بسیار گسترده‌تر از تیم و کار تیمی است و **کار تیمی**و حاشیه‌های آن، تنها بخش کوچکی از **دانش شناخت گروه‌ها و رفتار آنها** را تشکیل می‌دهد

تحقیقات نشان داده است که ایجاد فضای مشارکت تیمی در محیط های کاری، موجب کاهش زمان اجرای پروژه می شود که این رقم 20% تخمین زده شده است و همچنین مشارکت فعال در تیم، موجب افزایش 15% نوآوری و سودآور در سازمان ها می شود.

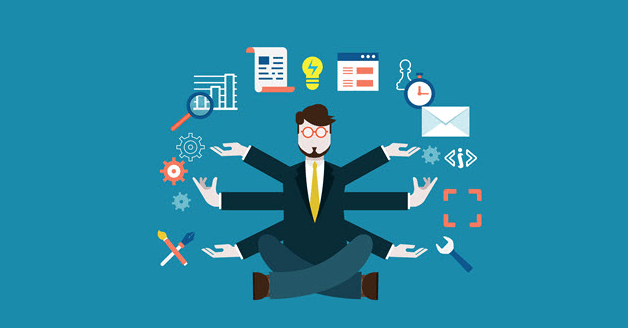
مواردی که اعضای یک تیم کاری مشخص، می بایست داشته باشند:

**هدف مشخص**

****برای موفقیت یک تیم، مقصد و هدف مشخص است و اعضای یک تیم موفق پراکنده و اتفاقی کار نمی کنند و برای رسیدن به هدف مصمم هستند. زمانی که استیو جابز طرح ساخت آی پد  را با جمله «دستگاه موسیقی طراحی کنید که کوچک و قابل حمل باشد و تمامی سی دی های مورد علاقه مردم را در خود جای دهد» بیان کرد، اعضای تیم می دانستند به دنبال چه هستند و چشم انداز جابز را درک کردند؛ طراحی دستگاهی که موزیک را در تمامی لحظات همراه مردم می کند و به جز جدایی ناپذیر زندگی روزمره افراد تبدیل می شود.

**رهبری**

رهبر یک تیم باید مهارت های لازم را داشته باشد، هدف را مشخص و فضای مناسب را برای رشد و همکاری بین اعضا ایجاد کند. همواره قدرت حمایت های مادی و معنوی را برخوردار باشد. رهبر خوب می داند که در شکست و موفقیت تیم خود سهیم است. رهبر همواره پذیرای تبعات تصمیمات نادرست خود است و با هدایت صحیح اعضا و تعیین دقیق وظایف فردی، به اعضای تیم کمک می کند تا به حداکثر بهره وری خود برسند.

**تنوع در تخصص و مهارت ها**

اعضای بهترین تیم های کاری، به هیچ وجه شبیه هم نیستند. تنوع در تخصص، مهارت و شخصیت اعضا از جمله ویژگی های تیم های بسیار موفق به شمار می آید. اگرچه داشتن حد معینی از تعهد و پشتکار برای تمامی اعضای تیم ضروری است، اما تنوع در مهارت ها به معنای خلاقیت بیشتر در محیط کارا ست.

**تعیین وظایف**

در یک محیط کاری ، تمامی اعضای تیم نسبت به نقش ها و وظایف خود آگاهی کامل دارند. کار درست را در زمان درست انجام می دهند و  اگر در تیم اعضای آن تعریف درستی از وظیفه خود و یا حتی سایر اعضا نداشته باشد، باعث خستگی و سردرگمی آنها می شود که در نتیجه از عملکرد موثر تیم می کاهد.

**برقراری ارتباط**

ارتباطات در یک تیم کاری موفق، باید به گونه ای مؤثر برقرار شود. دانش در انحصار فرد نیست و با دیگران تقسیم می شود و از آنها بازخورد گرفته می شود. تمامی اعضای تیم، به یک اندازه فرصت بیان عقاید را دارند و به میزانی که صحبت می کنند، می بایست به نظرات سایر اعضا گوش دهند. ارتباطات مناسب، باعث درک اعضا از فرایند پروژه پیش رو می شود و فضایی باز برای تبادل نظرات و اطلاعات را ایجاد می کند.

**حمایت از اعضا**

نکته: اول باید با دیگران کار کرد، بعد با یکدیگر برنده شد. حمایت و همکاری قدرت تیم را بالا می برد و موجب افزایش کارکرد تیم می شود. اعضای چنین تیمی، کمک خود را از یکدیگر دریغ نمی کنند و همین امر موجب کاهش استرس و حل انبوه مسائل کاری در حداقل زمان ممکن می شود. مهم ترین صفتی که اعضا باید دارا باشند همکاری توام با همدلی است که سبب می شود به اعضای تیم به چشم همکارانی با هدف مشترک بنگرند نه به چشم یک رقیب و به جای بدگمانی به یکدیگر پشتیبان هم هستند زیرا به جای خود تیم را کانون توجه قرار داده اند.

**احترام متقابل**

ﺑﻪ اعضا ﺑﺎﻳﺪ اﺣﺘﺮام ﮔﺬاﺷﺖ حتی ﭘﻴﺶ از آﻧﻜﻪ ﻛﺎری درﺧﻮر اﺣﺘﺮام ﻛﺮده باشد .اعضای یک تیم کاری موفق به خوبی از اهمیت دانستن احساسات دیگران و خود آگاهند. مراعات حال یکدیگر و احترام به سایرین، از ضروریات محیط های کاری به شمار می آید. اعضای تیم برای هر عضو، به اندازه رهبر تیم اهمیت قائل اند. مشارکت اعضا محدود به همکاری با رهبر تیم نیست و فضای مشارکتی دوستانه بر فعالیت های تیم حاکم است.

**همبستگی**

روابط اعضا محدود به جلسات رسمی کاری نیست، اگرچه رعایت اخلاق حرفه ایی در کار تیمی بسیار مهم است، اما بهترین تیم ها می دانند که برای داشتن محیط کاری آرام، باید یکدیگر را کمی بیشتر و بهتر بشناسند. تیم های کاری که روابط خود را به بیرون از جلسات رسمی بسط داده اند 50% بهتر از سایر تیم ها با یکدیگر ارتباط برقرار میکنند. این جو دوستانه حاکم بر محیط های کاری مشارکت بین آنها را تا حد زیادی تسهیل می بخشد.

**هیجان و ریسک پذیری**

تیمی منشا قدرت است که از اعضای مشتاق و ریسک پذیر تشکیل شده باشد. تیم های موفق می دانند که گاهی لازم است متحمل ریسک های حساب شده شوند و از تغییرات و همگام شدن با توسعه هراسی ندارند. عضوی که در کار خود هیجان ندارد علاوه بر اینکه از پروژه پیش رو لذت نمی برد، کار به درد بخوری نیز از او بر نمی آید. یک تیم کاری خوب، از رکود گریزان است و منتظر وقوع اتفاقات برای پاسخ به آنها نمی ماند بلکه قبل از وقوع، اتفاقات را رقم می زند.

**مشارکت پذیری**

در هر تیم نقش و وظایت هر عضو از پیش تعیین شده و مشخص است، اما بهترین تیم ها از اعضایی تشکیل شده اند که از انجام کاری که در شرح شغلی آنها نیست، سر باز نمی زنند. چنین افرادی خود را با شرایط موجود تطبیق داده و کارها را در حد توانایی خود، انجام می دهند. موفق ترین تیم ها از افرادی تشکیل شده اند که مشارکت فعال دارند و همیشه ایده تازه ای برای مطرح کردن دارند. هر عضو تیم باید فضای مناسب برای اندیشیدن و راه حل های جدید را داشته باشد.

**ارتقاء پذیری**

ارتقای اعضا باعث ارتقای تیم می شود. دانستن شرح وظایف برای گروه موفق کافی نیست اعضا همواره برای پیشرفت خود آموزش پذیر هستند و غرور را از خود دور می کنند و ارتقا دانش را مقدم به ارتقاء مقام می دانند.

**مسئولیت پذیری**

به قول مارتین لوتر کینگ (Martin Luther King): «حد و اندازه‌ی انسان نه در لحظات راحتی و آسایش، بلکه در لحظات چالش‌برانگیز و طاقت‌فرسا شناخته می‌شود».  یک تیم موفق، مسـئولیت نتایج خوب و بد عملکرد خود را می پذیرد و و در زمان بروز اشتباه نخست در خود دنبال راه حل می گردد در موقعیت های دشوار است که مسئولیت پذیری اعضا مشخص می شود. در اغلب تیم های حرفه ایی، افراد خود را نه تنها مسئول وظایف فردی، بلکه نتیجه نهایی عملکرد تیم نیز می دانند. مسئولیت پذیری و تعهد مشترک میان اعضا، تیم را وادار می کند تا برای نیل به اهداف، سخت تر تلاش کنند.

**اعتماد**

اعتماد فراتر از مسئولیت پذیری است در یک تیم موفق قول ها و حرف های اعضا به عمل آنها نزدیک تر است و تمامی روابط بر پایه اعتماد می باشد هرچند، اعتماد باید به مرور زمان ایجاد شود. نخست رهبر تیم باید نمونه یک فرد قابل اعتماد باشد و از طریق حمایت اعضا یک محیط مناسب برای ابراز عقاید و عملکرد صحیح اعضا ایجاد نماید.

منبع : https://www.radcom.co